کد خبر: ۲۲۷۸۸۱
دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۹۹ ۱۱:۰۴

پدر مددکاری علمی ایران درباره مهاجرت می گوید:

مراکز آسیب شناسی اجتماعی در دست سیاسی ها&#۴۷; مردم به این نتیجه رسیدندکه هیچ کس پاسخگویشان نیست

بسیاری از افرادی که در دودهه اخیر، از ایران مهاجرت کردند از نظر سیاسی در ایران مشکلی نداشتند. گروه هایی که در هرجای دنیا برای خود آینده و امیدی متصور هستند جز در کشور خودشان.

به گزارش پرسون، خانواده هایی خسته و ناامید از وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورشان؛ و اگر پول یا تخصصی هم نداشته باشند، راه رسیدن به غربت هم، برایشان دردسر تازه‌ای می شود. از این دسته بسیارند؛ که در پناهگاه ها، به امید روزهایی بهتر، شب های طولانی را به روزهای دربه دری می رسانند. روزها و شب هایی که گوشه ای از آن در رسانه ها نشان داده و بی تفاوتی مسوولان، را به چالش می کشد. اما در ایران، بسیاری از مسوولان با این گفته، که این یک انتخاب است از اظهار نظر در این رابطه، شانه خالی کردند.

*گذران زندگی تنها دغدغه مهاجران است
مصطفی اقلیما (پدر مددکاری ایران)، در گفتگو با «پرسون» با اشاره به موضوع مهاجرت از ایران طی چند دهه اخیر، گفت: «مهاجرت علت نیست؛ بلکه معلولی از علت هاست. وقتی گروه‌های مختلف قصد مهاجرت میکنند باید توجه کرد مجموعه علت‌هایی وجود دارد که این افراد را به سمت این تصمیم، سوق داده است».
این آسیب شناس حوزه اجتماعی با تاکید براین نکته که مسئله ی مهاجرت همیشه درایران وجود داشته و قبل از انقلاب هم افراد بسیاری، برای تحصیل به اروپا و امریکا مهاجرت می‌کردند، خاطرنشان کرد: « اکثر تحصیل کنندگان در اروپا، به وطن برگشته و درایران مشغول به کار می شدند؛ بهجزتحصیل کنندگان در امریکا، که به علت استخدام سریع و حقوق بالاتر، در آمریکا مانده و مستقر می شدند». مصطفی اقلیما که خود نیز ۱۴ سال در اروپا تحصیل کرده و به وطن بازگشته است، در توصیف و دسته بندی مهاجران ایرانی، آنها را به ۴ گروه اصلی تقسیم کرده است.

بیشتر بخوانید:

دوگانه «تهرانی-شهرستانی»، نشانه نبود شناخت به پیچیدگی انسان معاصر

آقای نماینده؛ زنان معتاد هم حق تصمیم گیری برای بدن خود دارند

ایرانی‌ها رکورددار خرید ملک در ترکیه

در میان گروه هایی که مهاجرت را راهی برای بهبود وضعیت خود برگزیده و از وطنشان به کشوردیگری رفته اند، «دسته اول سرمایه دارانی هستند که به علت هم نظرنبودن با حکومت در ایران، پس از وقوع انقلاب؛ از کشور خارج شدند که می‌دانیم؛ وقوع انقلاب در هر گوشه جهان، این دسته از مهاجران را برای خود دارد؛ و این گروه برای حکومت مستقر در جامعه، جای توجه خاصی هم ندارد و به این دسته بها داده نمی شود. گروه بعدی افراد سیاسی هستند که به سبب داشتن عقاید و منش های مختلف سیاسی، از کشور می روند و اغلب پناهنده می شوند.

سود کلانی به کشورهای دیگر که تبعه آنجا می شوند، می رساندند و جالب است که کشورمان سالانه بین ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار برای ۷۰ تا ۸۰ هزار سرمایه نخبه ای که خارج می شوند، هزینه کرده وهنوز هم می کند

گروه سوم افراد نخبه و فارغ التحصیلان دانشگاه های بزرگ ایران هستند که برای تحصیل و داشتن شغل بهتر از وطن می روند و اکثر آنها بر نمی گردند و سود کلانی به کشورهای دیگر که تبعه آنجا می شوند، می رساندند و جالب است که کشورمان سالانه بین ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار برای ۷۰ تا ۸۰ هزار سرمایه نخبه ای که خارج می شوند، هزینه کرده وهنوز هم می کند و گروه چهارم که در ده سال اخیر هر روز به تعدادشان افزوده شده، گروه مردم عادی جامعه هستند که سرمایه، مشکل سیاسی و تحصیلات و تخصص حرفه ای خاصی ندارند و در راه رسیدن به کشور مورد نظر، دربه در می شوند».
اقلیما معتقد است که دسته چهارم از مهاجران ایرانی، بچه های همین انقلاب هستند ولی متاسفانه جزو گروههای آسیب دیده جامعه شناخته می شوند. وی در خصوص مهاجرت در سطح مردم عادی که از سطح سرمایه دارها و نخبگان به سطوح همگانی جامعه رسیده، می گوید:« نابسامانی های اقتصادی و افزایش هزینه زندگی در ایران، باعث شده که فکر مهاجرت به پایین ترین سطح جامعه هم رسیده و برای آن تلاش و تفحص می کنند. این دسته در ایران درس خوانده، اغلب با حکومت هیچ مشکلی ندارند و تنها دغدغه آنها گذران زندگی است و امیدی به بهتر شدن اوضاع ندارند ولی وقتی از آنها می پرسیم که برای چه این خطر بزرگ از طریق راههای غیرمجاز به جان می‌خرید هم در جواب می‌گویند که برایمان فرقی ندارد کجا باشیم فقط کار کنیم تا زندگی مان بگذرد، راحت باشیم و کسی کاری به کارمان نداشته باشد و اگر قرار است در ایران بیکار و گرسنه باشیم، همان بهتر به غربت برویم».

*ناتوانی در بالابردن رضایت زندگی

رییس انجمن علمی مددکاری کشور، شایسته سالاری و مسوول بودن در قبال عمل هر مسئول را بزرگترین نصیحتی می داند که رهبرانقلاب در هنگام تودیع به روسای جمهور داشته و معتقد است: «متاسفانه ذره ای به این دو نکته مهم در هیچ دولتی توجه، نشده است. او با طرح این پرسش، که کدام مسلمان، درمقابل اعمالش هیچ مسئولیتی ندارد، تاکید می کند: «متاسفانه مشکل از آنجا شروع می شود که در ایران، سازمانهایی که برای رفع آسیب های اجتماعی ایجاد شده اند؛ بعد از مدتی تبدیل به سازمان سیاسی یا نیمه سیاسی شدند و فرد مدیر در این سازمان رشته ای نامرتبط به آسیب شناسی اجتماعی دارد و به جای حل مشکل، خودشان تبدیل به سر باری برای جامعه شان می شوند؛ و هیچ کاری هم از دستشان برنمی آید». بر اساس گفته های این آسیب شناس و پژوهشگر حوزه اجتماعی، درایران، رسم بر این شده که به جای شایسته سالاری، افراد از اقوام و خویشاوندان و دوستان نزدیک برای مسئولیت‌ها انتخاب می شوند در حالی‌که مبنای اصلی می بایست بر حضور افراد تحصیل‌کرده، دانا و شایسته که بتوانند قدمهای موثری در جامعه خود بردارند باشد. حضور افراد شایسته در شغل های مختلف، امید و رضایت از زندگی را بالا می برد.

«قانون در کشورمان کم نداریم ولی مشکل اصلی در عدم اجرای قوانین است»؛ این را اقلیما، در ادامه صحبت هایش می‌گوید و ادامه می‌دهد: اینکه مسئولی که نتوانسته در بالا بردن رضایت زندگی مردم تلاش کند بازخواست نمی شود و دوباره به پست های بالاتری نقل مکان میکند و همین می شود که مردم فکر می‌کنند هیچ کسی پاسخگویشان نیست و سرخورده می شوند و برای رسیدن به آرزوهای فرزندانشان، سرمایه های اندکی هم که دارند جمع می کنند و با کوله باری از کشور رخت بر می بندند. کشوری که برایشان زحمت کشیده و برای آنها سرمایه گذاری‌های زیادی انجام داده است. این گروه از مهاجرین، فرزندان انقلاب هستند که نتوانستند به آرزوهای خود در کشور مورد علاقه شان دست یابند.«

*چه کسی پاسخگو باشد، چه کسی حل کند

فرشته ولی مراد، پژوهشگر امورخانواده که دغدغه های بسیاری را در امور زنان و خانواده دنبال کرده و آنها را به نتیجه رسانده است، در گفتگو با «پرسون»، با اشاره به اهمیت موضوع مهاجرت در بین مردم، که ناشی از تغییر سلیقه بوده و در بین همه طیف های جامعه در حال گسترش است، گفت: «از نیمه دهه ۷۰ به بعد، مهاجرت‌های سیاسی کم شدند. مهاجرت از حالت سیاسی خارج شد و مردم برای زندگی بهتر به همه دنیا می رفتند که هر یک از این مهاجرتها، مشکلات و عوارض خود را به دنبال دارند، زیرا این یک انتخاب است؛ افراد با دیدگاه های مختلفی که دارند و با وجود مشکلات زیادی که در کشور وجود دارد قصد مهاجرت به کشورهای دیگر می‌کنند».

وی در خصوص مطرح شدن و رسانه ای شدن موضوعات روز همچون موضوع مهاجرت غیر قانونی اتباع ایرانی و افزایش سرسام آور مهاجرت در سطح افراد عادی کشور، خاطر نشان می کند: «من به موضوعات روز که بسیاری از آنها جنبه عمومی داشته و نتیجه آن معلوم نیست، وارد نمی شوم ، زیرا فایده‌ای از طرح چنین موضوعاتی در رسانه، پدید نمی‌آید و معلوم نیست چه کسی باید جواب بدهد و چه کسی باید حل کند.» او می‌گوید که طی سالهای پژوهش، به این نتیجه رسیده؛ در کشورمان برای حل یک موضوع باید آنقدر جلو رفته و تلاش کنیم تا به نتیجه برسد و با یک بحث و دو بحث، هیچ چیزی حل نمی شود. بلکه باید در عمل، راه حل بررسی شود. در موضوعات پراکنده که نتیجه آن برایم روشن نیست زیاد ورود نمی کنم و سعی میکنم انرژی ام را پای موضوعاتی بگذارم که به نتیجه برسند».

مدیران در قبال اعمالی که در طول سالها انجام دادهاند باید مسئول بوده تا مشخص شود چه صدماتی را بر بدنه جامعه وارد کردند.

*تفاوت موضوعات از نگاه رسانه و مسئولان کشور

آنچه ولی مراد می گوید دور از واقعیت نیست، زیرا در تماس با بسیاری از مسئولان اجرایی کشور، جواب مشخصی نشنیدیم و هرکدام به دیگری ارجاعمان دادند و ظاهرا مهاجرت و مشکلات مهاجران ایرانی، جایی بین مشکلات عدیده کشور ندارد. همانطور که مصطفی اقلیما گفت، مدیران در قبال اعمالی که در طول سالها انجام داده اند باید مسئول بوده تا مشخص شود چه صدماتی را بر بدنه جامعه وارد کردند.

قابل ذکر است که آمریکا، کانادا، استرالیا و بریتانیا جزو کشورهای نخست در فهرست مهاجران ایرانی و نیز دیگر مهاجران دنیا قرار دارد و علت شرایط شغلی و میزان بالای رفاه در این کشورها است.